



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران
مدرسه علمیه ریحانه اصفهان

مقاله علمی – پژوهشی

عنوان:

نقش سیاسی سید مصطفی

خمینی در حوادث ایران

پژوهشگر:

زهره رهنما

شهریور ۹۵

A large, bold, black Arabic calligraphic inscription of the phrase "Allahu Akbar" (God is Great). The script is highly stylized, with thick, sweeping strokes and intricate flourishes. The text is arranged in a vertical, slightly curved manner, with "الله" (Allah) at the top and "أكبر" (Akbār) below it. The calligraphy is set against a white background.

چکیده

این تحقیق در نظر دارد فعالیت های سیاسی سید مصطفی خمینی را با تکیه بر منابع مکتوب و پژوهش های نوین، به روش تاریخی مطالعه کند. سید مصطفی خمینی یکی از مبارزان فقیهی بود که در روند پیروزی نهضت امام (ره) نقش حائز اهمیتی داشت. بررسی چنین شخصیتی هنوز هم تازگی و طراوت دارد؛ زیرا این مجاهد فقیه علاوه بر اینکه از لحاظ عقاید با پدر بزرگوارشان مساوی بودند، در حین فعالیت های سیاسی آن چنان در زمینه اخلاق و معنویات پرکار بود که توانست دیانت را همراه با سیاست حفظ کند و جهت سیاسی را رنگ خدایی دهد. در واقع ایشان اسلام شناسی کامل و آگاه بود که در پیروزی نهضت و انقلاب اسلامی با ایفای نقش سیاسی مؤثر واقع شد. بررسی نقش سیاسی ایشان هم ریشه در شخصیت و عملکردی در چهارچوب نهضت امام (ره) و همچنین اوضاع سیاسی ایران و ماهیت حکومت پهلوی دارد. هدف از این پژوهش پاسخ به این سوال است که نقش سیاسی سید مصطفی خمینی در حوادث ایران چه بود؟ سید مصطفی که از مفاخر انقلاب بود، نیاز به شناخت عمیق و وسیع دارد؛ از این روی ضرورت ایجاب می کند تا به عنوان یک الگو و اسوه شناخته شود و به جوانان معرفی گردد. از نتایج این تحقیق اینکه سید مصطفی در طی این مراحل ثابت کرد که به اصول محکمی تکیه دارد و به آنها پایبند است. دین مداری و حاکمیت اسلام انگیزه اصلی فعالیت های ایشان بود و برنامه های سیاسی بر اساس قاعده و معیارهای اسلامی پی ریزی شده بود و برای رسیدن به هدف به هیچ نوع راه حل غیر اسلامی متوسل نشد. روی همین اصل بود که ایشان برای رسیدن به پیروزی انقلاب در عرصه سیاسی تا سر حد جان مبارزه کند تا جایی که جان گرانبهای خویش را نیز در این راه فدا کرد.

واژگان کلیدی: سید مصطفی خمینی، ایران، سیاست، ساواک

فهرست مطالب

عنوان صفحه

مقدمه ۱

الف - اقدامات سیاسی در ایران ۲

شرکت در تظاهرات ۲

آشنایی با جمعیت فداییان اسلام ۳

لایحه انجمن های ایالتی ولایتی ۴

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه ش ۶

تداوم فعالیت ها و تبدیل حبس امام (ره) به حصر ۸

کاپیتولاسیون و دستگیری سید مصطفی ۱۱

ب - اقدامات سید مصطفی در ترکیه ۱۴

ج - اقدامات سیاسی در عراق ۱۶

حلقه ارتباطی و انسجام مبارزین ۱۷

نشر افکار انقلابی ۱۸

راهنمایی یاران امام (ره) ۱۹

آموزش نظامی ۲۰

مقابله با توطئه های شیطانی ۲۱

حج ، کانون تبادل اخبار و اطلاعات نهضت اسلامی ۲۳

سفر به کشورهای اسلامی ۲۴

سید مصطفی و دولت عراق ۲۶

نتیجه گیری ۲۸

فهرست منابع ۲۹

مقدمه

نقش سیاسی سید مصطفی خمینی یکی از مسایل بسیار مهم در دهه های ۴۰-۵۰ می باشد. این نوشتار به فعالیت های سیاسی شخصیتی نظر دارد که سال ها در مسیر مبارزه علیه ظلم و به منظور تشکیل جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف نهضت در ایران، تبعید در ترکیه و عراق فعالیت های چشمگیری از خود نشان داد. حیات سیاسی این بزرگمرد تاریخ از آن جهت اهمیت بررسی دارد که ایشان جایگاه مؤثری در نهضت امام داشتند. وی بهتر از هر کس دیگر، روح نهضت؛ یعنی براندازی رژیم سلطنتی ایران و استقرار حکومت اسلامی را دریافته بود. آیت الله سید مصطفی از این نوادر دوران بود که در اوج عمل سیاسی، عابدی تمام عیار بود. بنابر این این سؤال مطرح می شود که نقش سیاسی سید مصطفی خمینی در حوادث ایران چه بود که پاسخگویی به این سؤال هدف اصلی این تحقیق است.

نوشته های محققانی چون ستاره صبح انقلاب تألیف روح الله حسینیان، راز توفان نوشته واحد پژوهش های تاریخی، یادها و یادمانها، تحریر توسط کمیته علمی کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی... درباره ی سید مصطفی خمینی را می توان نمونه ای از این گونه تحقیقات دانست.

محدوده‌ی کلی این پژوهش، بررسی نقش سیاسی است که شهید آیت‌الله سیدمصطفی خمینی در حوادث ایران داشته است. در این پژوهش، گردآوری اطلاعات و داده‌های تاریخی بر اساس روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر منابع و اسناد معتبر انجام شده است. اثر حاضر در پی پاسخگویی به سؤال زیر است:

- سیدمصطفی خمینی چه فعالیت‌های سیاسی را در حوادث ایران ایفا نموده است؟

الف- اقدامات سیاسی در ایران

شرکت در تظاهرات

در سال ۱۳۲۷ هـ. ش آیت الله کاشانی (متوفای ۱۳۴۰ هـ. ش)^۱ از مردم دعوت کرد که علیه رژیم صهیونیست در روز ۳۰ اردیبهشت در تهران تظاهرات کنند. به دنبال آن، امام خمینی (ره) در جلسه خود از شاگردانش خواست که هر کس می تواند به تهران برود. آیت اله بروجردی نیز شرکت طلاب در تظاهرات علیه اسرائیل را تأیید نمود. سید مصطفی خود را آماده رفتن به تهران کرد و در تظاهرات شرکت نمود. این اولین تظاهراتی

^۱ سید ابوالقاسم کاشانی، فرزند سید مصطفی، از علما و مجتهدان طراز اول است که در مبارزات ضد استعماری فعالیت های زیادی کرد. او در سال ۱۳۰۰ هـ ق متولد و پس از تحصیل مقدماتی علوم راهی نجف شد. در نهضت انقلابی عراق علیه مهاجمان انگلیسی با آیت الله خوانساری همکاری زیادی داشت. پس از بازگشت به ایران در دوره هفدهم مجلس شورای ملی به نمایندگی و ریاست آن انتخاب شد. در ملی شدن صنعت نفت نقش موثری داشت. در سال ۱۳۴۰ هـ. ش درگذشت. ر: ک: علی، کاشفی خوانساری، آیت الله بروجردی، چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵ هـ. ش، ص ۸۰

بود که ایشان در آن شرکت داشت.

۲۴ روز بعد از تظاهرات ، برای دومین بار آیت اله کاشانی از مردم درخواست کرد که علیه نخست وزیری عبدالحسین هژیر تظاهرات کنند . دانشجویان و طلاب زیادی در این تظاهرات شرکت کردند که عده ی زیادی توسط نیروهای دولتی مجروح شدند . روز ۲۴ خرداد علاوه بر تهران در قم ، مشهد ، اصفهان و تبریز هم علیه هژیر تظاهرات شد و سید مصطفی در تظاهرات قم شرکت نمود. تظاهرات علیه هژیر مدت ها ادامه یافت که پرشورترین آن در ۲۷ خرداد ماه ۱۳۲۷ هـ ش به رهبری نواب صفوی^۱ (متوفای ۱۳۳۴ هـ ش) رهبر فدائیان اسلام بود.^۲

آشنایی با جمعیت فدائیان اسلام

یکی از مؤثرین تشکل های سیاسی ، مذهبی جمعیت فدائیان اسلام بود. که با تکیه بر مبانی فکری دینی به مبارزات دامنه داری از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۴ هـ ش دست زد. این جمعیت سعی داشت که مناسبات سیاسی اجتماعی موجود را بر انداخته و آئین اسلامی را حاکم کنند . هدف این جمعیت ، مبارزه با تمام ابعاد بی دینی و دین ستیزی در جامعه بود.

^۱ سید مجتبی میرلوحی مشهور به نواب صفوی در سال ۱۳۰۳ هـ ش در تهران به دنیا آمد . پس از تحصیل در ایران به نجف رفت و مدتی به تحصیل علوم دینی پرداخت . سپس برای مقابله با اندیشه های انحرافی احمد کسروی به ایران آمد . در سال ۱۳۲۴ ش ، جمعیت فدائیان اسلام را پایه گذاری کرد. این جمعیت در اولین اقدام خود ، کسروی را به قتل رساند. سرانجام در پی بازگشت نواب و برخی یارانش در ۲۷ دی ماه ۱۳۳۴ ش محکوم به اعدام شد. و تیر باران و به شهادت رسید . ر: ک : همان ، ص ۸۱.

^۲ علی ، قادری ، یک قرن زندگی پرماجرا : سالشار زندگی قدس ایران بر اساس خاطرات و خیال ، ج ۱، چاپ اول ، تهران ، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ، ۱۳۹۳ ، هـ . ش .، ۴۱۴.

آن ها عملکرد خویش را مبتنی بر مکتب اسلام و ارزش های اسلامی و بر اساس تکلیف دینی می پنداشتند. سید مصطفی هیچ گاه حاضر نبود زیر بار ظلم و ستم برود. از این جهت ، ایشان بی اندازه به نواب علاقه داشت . و با فرد شماره دو این جمعیت ، عبدالحسین واحدی (متوفای ۱۳۳۴ هـ ش) ارتباط نزدیک و دوستانه ای داشت و در جلسات خصوصی آنها شرکت می کرد.

روز اول آذر ۱۳۳۴ ش نواب صفوی دستگیر شد و به فرمانداری نظامی اعزام گردید و در ۶ آذر ماه همان سال تمام اعضای شناخته شده آن جمعیت بازداشت شدند. امام خمینی (ره) با شنیدن این اخبار که از رادیو پخش می شد حساس تر شد و به سید مصطفی که همراه مادرش برای شرکت در مجلس ترحیم سید مصطفی کاشانی (متوفای ۱۳۳۴ هـ ش) به تهران رفته بودند ، پیام داده بود که تمام اخبار مرتبط با فدائیان اسلام را هر روزه یادداشت کند . امام خمینی (ره) افراد دیگری را که در مسائل سیاسی با تجربه تر از آقا مصطفی بودند در نظر داشت ؛ ولی این تکلیفی بود برای ایشان تا سیاست را بیاموزد.^۱

لایحه انجمن های ایالتی ولایتی

بر اساس لایحه مذکور ، به زنان که تا آن زمان حق رای نداشتند ، اجازه رای داده شد. شرط مسلمان بودن از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف شد. سوگند به قرآن کریم در مراسم تحلیف انتخاب شوندگان به سوگند به کتاب آسمانی تبدیل گردید. در

^۱ کمیته علمی کنگره شهید آت الله سید مصطفی خمینی ، مجموعه مقالات ، چاپ اول ، تهران ، نشر شاهد ، ۱۳۷۶ ش . ص ۱۰۰.

جامعه ای که مذهب رسمی آن تشیع و اکثریت جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می داد . حذف قوانین اسلامی که در قانون اساسی نیز بر رعایت آن تاکید شده بود ، نوعی اعلان جنگ مذهبی به شمار می آمد و در ۱۶ مهر ماه ۱۳۴۱ ه ش که این لایحه به تصویب رسید. خشم روحانیون برانگیخته شد و مبارزات بی امان امام خمینی (ره) علیه ظلم و فساد سلطنت پهلوی به طور رسمی شکل گرفت. مبارزه امام (ره) و روحانیون نتیجه داد و ۸ آذر مصوبه هیات دولت در مورد آن لایحه لغو گردید . برخی از روحانیون تصور کردند که پیروزی نهایی را به دست آورده اند ولی امام (ره) می دانست که این عقب نشینی یک تاکتیک است و به علما پیشنهاد داد که هر هفته جلسه داشته باشند و موضوعات مهم کشور را مورد بررسی قرار دهند.

در روز ۲۰ آذر رئیس ساواک و شهربانی قم به ملاقات امام (ره) آمدند تا برای فعالیت امام (ره) شروطی را تعیین کنند. سید مصطفی نیز در این ملاقات حضور داشت در بهمن ماه، شاه عده زیادی را دستگیر و مانورهای نظامی برای اربعاب انجام داد.^۱

امام (ره) برای روشن کردن علمای عتبات از مبارزه ای که در ایران آغاز شد و خبر گیری از اوضاع آشفته عراق بعضی از شاگردان خود از جمله سید مصطفی را به عراق فرستاد. ساواک این موضوع را متوجه شد و اعلام داشت که امام خمینی (ره) ، تعدادی نوار و اعلامیه را به دست سید مصطفی به بهانه زیارت در عراق منتشر کرد. سید مصطفی پس از بازگشت از سفر ، همچون یک سرباز مطیع و فداکار به منظور خدمت به نهضت در کنار

^۱حشمت الله ، سلیمی ، مبارزات روحانیون و مساجد به روایت اسناد ، چاپ اول ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۶هش ، ص ۲۷.

امام (ره) قرار گرفت.

منزل امام (ره) مرکز رفت و آمدهای مبارزان و سیاسیون شده بود. سید مصطفی با دقت، رفت و آمدهای افرادی که وابسته به دولت موقت بودند چه روحانی و چه غیر روحانی را کنترل می کرد؛ زیرا گروهی از روحانیون حوزه قم، تبدیل لباس کرده بودند و در مسندهای مختلف دولتی از قبیل: دادگستری، ثبت اسناد و مشاغل دیگر، پست های حساس داشتند و چون از قبل با امام (ره) آشنایی داشتند، دولت تلاش می کرد از این افراد بیشتر در جهت اغراض خود استفاده کند.

حضور مداوم فعال سید مصطفی در کنار پدریزرگوارش باعث شد که از اوایل مبارزات عمومی و علنی علیه رژیم پهلوی، معنای عمیق این مبارزه را درک کند و تا آن جا پیش رود که خود، یکی از رهبران این حماسه آفرین ها شود.^۱

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه ش

سید مصطفی با فعالیت های سیاسی آشنایی داشت و به صورت جزئی قبل از نهضت امام خمینی (ره) آن را شروع کرده بود؛ ولی از سال ۱۳۴۲ ه ش و بویژه از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ه ش به طور جدی و همه جانبه وارد نهضت و انقلاب شد و رهبرش را با تمام وجود یاری کرد.

به دنبال فعالیت ها و سخنرانی های ضد رژیم امام (ره)، رژیم درصدد دستگیری ایشان بر آمد با دستگیری رهبر انقلاب، رژیم پنداشت که نهضت اسلامی رو به افول

^۱علی، قادری، همان کتاب، ص ۵۵۶

خواهد رفت و خروش مردم در گذر زمان خاموش خواهد شد . اما تعلیمات و زمینه هایی که رهبری نهضت در نهاد شاگردان و پیروان خود به وجود آورده بود باعث شد بسیاری از آنان از میان مردم برخاسته و اهداف ۱۵ خرداد را تداوم بخشد .

از جمله افراد حاج آقا مصطفی بود که با گرد آوری مردم پراکنده و پاشیدن بذر امید در دل های شیفته آنان ، موجب گردید تا فشار افکار عمومی برای رفع بازداشت از امام روز به روز بیشتر شده و در نهایت سبب آزادی ایشان را فراهم سازد . یکی از عمده ترین محورهای فعالیت ایشان در آن روز این بود که ضمن مشورت با افراد مختلف سعی میکرد که مراجع وقت قم در این مسئله ساکت نباشند و واکنش نشان دهند . همچنین افکار عمومی را علیه اقدام رژیم پهلوی بر می انگیزت .^۱ جمعیت انبوهی از مردم که با شنیدن خبر دستگیری امام به خیابان ها سرازیر شده بودند به رهبری ایشان با حرکت اعتراض آمیز به طرف حرم مطهر حضرت معصومه (س) حرکت کردند و به شعار دادن علیه رژیم پرداختند . رژیم شاه در پی این تظاهرات ابتدا با توپ و تانک خونریزی بی سابقه ای را به راه انداخت . وقتی دید نمی تواند مردم غیور و مسلمان شهر قم را سرکوب سازد ، هواپیماهای بمب افکن را روانه قم کرد تا در صورت لزوم شهر را ویران کند . علما و روحانیونی که در صحن مطهر گردآمده بودند با دیدن برخورد خصمانه رژیم با مردم و قتل عام عده ای از مردم دریافتند که رژیم شاه برای حفظ تاج و تخت خود از کشتار هزاران انسان دریغ نخواهد کرد . اما خشم مردم به حدی بود که کسی جرات نداشت از آنان

^۱ فریبا جعفری ، نقش روحانیت در قیام ۱۵ خرداد ، چاپ اول ، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ،

بخواهد دست از تظاهرات بر دارند ؛ ولی سید مصطفی به خاطر موقعیت ویژه خویش این رسالت را برعهده گرفت و طی نطق کوتاهی مراتب سپاسگزاری و قدردانی خود از وفاداری ، فداکاری و حق شناسی ملت نسبت به امام خمینی (ره) را اعلام کرد و راجع به دستگیری رهبر سخنرانی کرده و از مردم خواست که دست از تظاهرات بردارند . پس از واقعه ۱۵ خرداد و بازداشت حضرت امام (ره) فعالیت حاج آقا مصطفی از یک سو برای آزادی امام (ره) و از سوی دیگر برای در اهتزاز نگه داشتن پرچم مبارزه و رهبری آن متمرکز شده بود و بالاخره ، شبکه نهضت اسلامی را فعال نگه داشت و در کنار آنها مدیریت بیت امام (ره) را عهده دارد . او اعلامیه هایی را تهیه می کرد و برای روحانیون و علما می فرستاد و دستورها و پیام های امام (ره) را که به روشهای مختلف به دست وی می رسید ، به مورد اجرا می گذاشت.^۱

تداوم فعالیت ها و تبدیل حبس امام (ره) به حصر

در مدتی که امام خمینی (ره) به دنبال دستگیری در ۱۵ خرداد ، در زندان بسر می برد حاج آقا مصطفی به نحوی با پدر در زندان رابطه برقرار کرده و پیام های ایشان را به عالمان شهرها می فرستاد که مبادا آتش مبارزه خاموش شود. رژیم در اثر فشار افکار عمومی و پی گیری عالمان مجبور شد در دوازدهم مرداد ۱۳۴۲ ه ش حضرت امام را از زندان به یکی از منازل ساواک^۲ در داوودیه که در دوازده کیلومتری تهران واقع بود، منتقل کند و ایشان را

^۱وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کوثر ، ج ۱، چاپ دوم، بی جا ، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ، ۱۳۷۱ ه ش ، ص ۸۷

^۲نشانه اختصاری ، سازمان و اطلاعات کشور ، یعنی مسئولیت امنیت و اطلاعات کشور در دوره ی

تحت نظر قرار دهد.

سه روز بعد امام را به قیطریه و تحت نظر ساواک انتقال دادند.

رسالت سید مصطفی ابعاد تازه ای یافت به گونه ای که از آن تاریخ تا حدود پنج ماهی که پدر بزرگوارش در قیطریه بسر می برد در خدمت ایشان بود و به طور مستقیم نقش رابط بین رهبر ملت مسلمان ایران را ایفا می کرد. این امر نشانگر روح پر صلابت آن بزرگوار است که حاضر نبود حتی وقفه ای کوچک در مبارزات پدید آید.

ایشان با درایت خاص خود مانند مانند یک چریک باتمام دقت، فعالیت های خویش را تحت پوشش انجام می داد که مبادا ساواک ارتباط امام با مردم را قطع کند. بنابراین اگر لازم بود در امور نهضت با شخصی ملاقات داشته باشد، زمان و مکان ملاقات را با رمزگذاری، تعیین می کرد.

مردم و علما که بعد از سرکوب ۱۵ خرداد از ادامه مبارزه مایوس شده بودند احتیاج به امید بخشی داشتند تا هاله ی تاریک ناامیدی را از خود دورکنند. آقا مصطفی با کمک علما، آنها را دلداری می داد و برای مبارزه گسترده آماده می نمود. حاج آقا مصطفی در واکنش به دستگیری علمای تبریز به دست رژیم، شروع به فعالیت و تلاش کرد که علما و مراجع در مقابل رژیم دست به اعتراض هماهنگ بزنند. سرانجام با اعتراضات شدید، رژیم مجبور شد پس از چهل و پنج روز علمای تبریز را آزاد کند.^۱

محمد رضا شاه پهلوی، ر: ک: حسن انوری، فرهنگ فشرده سخن، ج ۲، چاپ پنجم، تهران، سخن، ۱۳۸۲ ه ش، ص ۱۲۴۹.

^۱ محمد حسن، رجبی، زندگینامه سیاسی امام خمینی (ره)، ج ۱، چاپ سوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ه ش، ص ۲۸۹.

ایشان در مدت حصر پدر در تهران ، دائم در رفت و آمد بود تا هم بیت رهبری را در قم سراپا نگه دارد و هم پدر را در تهران در جریان امور قرار دهد و رابطه رهبری را با مبارزان برقرار نماید .

نمونه ای از اقدامات وی ، سازماندهی و پشتیبانی از نهضت امام (ره) در منطقه خلیج فارس بود که ساواک توانست به آن پی ببرد . ایشان به خوبی و تحت پوشش توانسته بود تعداد زیادی اعلامیه ، نوار و ... از امام را برای ایرانیان در کشورهای جنوبی خلیج نظیر قطر انتقال دهد.

علاوه بر این، سید مصطفی طی دریافت نامه ای از طرف رهبر انقلاب ، مامور رسیدگی به وضعیت تاسف بار فقرای قم و کمک های مالی به آن ها شد

سرانجام امام (ره) ۱۵ فروردین ۱۳۴۳ ه ش از تحت نظارت و کنترل رژیم آزاد و به قم برگشت.

با پیگیری آقا مصطفی، استقبال با شکوهی از حضرت امام (ره) انجام شد. از این پس سید مصطفی سایه به سایه همراه امام بود و در تمام جشن هایی که در سرتا سر قم گرفته بودند ، شرکت می کرد و به اداره امور می پرداخت و ملاقات های خصوصی امام (ره) را تنظیم می کرد.

آقا مصطفی سخنرانی مهم امام (ره) را که پس از آزادی در جمع دانشجویان ایراد و رژیم را سخت مورد حمله قرار داده بود ، را بلا فاصله تدوین و منتشر کرد تا هدفی که رژیم از آزادی امام داشت ومی خواست چنین وانمود کند که امام با رژیم به تفاهم رسیده

است ، خنثی شود.^۱

کاپیتولاسیون و دستگیری سید مصطفی

رخداد مهمی که مجدداً پای سید مصطفی را به عرصه مبارزه کشانید ، واکنش

اعتراض امام (ره) به لایحه کاپیتولاسیون^۲ بود.

به دنبال سخنران کوبنده امام (ره) علیه لایحه مذکور ، ایشان را در نیمه شب ۱۳ آبان

۱۳۴۳ هـ ش دستگیر و پس از انتقال به تهران بلافاصله به ترکیه تبعید کردند . امام خمینی

(ره) علاوه بر این سخنرانی ، اعلامیه ای در اعتراض به کاپیتولاسیون صادر کرده بودند .

سید مصطفی نوار سخنرانی و اعلامیه امام را به سرعت پخش کرد.

حاج آقا مصطفی به دنبال اقدام ناشایست رژیم در دستگیری رهبر انقلاب ، برآشت

و به خیابان آمد و همراه با سیل خروشان روحانیون و مردم قم به منظور گفت و گو با آیات

عظام و علما رهسپار منازل آن ها شد . بدین ترتیب تصمیم گرفت همگام با مردم قهرمان با

فریاد اعتراض آمیز و رعب و وحشت را بشکند و از مراجع وقت خواستار اقداماتی جهت

آزادی رهبر انقلاب شود. وی ابتدا به منزل آیت اله میرزا هاشم آملی (متوفای ۱۳۷۱ هـ ش)

^۱ حمید روحانی ، تحلیل و بررسی از نهضت امام خمینی (ره) ، ج ۱، چاپ ششم ، بی جا ، انتشارات راه امام ، ۱۳۵۹ هـ ش ، ص ۵۹۱.

^۲ کاپیتولاسیون به پیمان هایی گفته می شود که حقوق قضاوت بروی مرزی به کشور دیگری در قلمرو حاکمیت ملی یک کشور اعطا می کنند . در نتیجه چنین پیمانی ، اتباع آن کشور بیگانه از شمول قوانین و ضوابط جزایی و مدنی در قلمرو کشور مرزبان مستثنا بود و رسیدگی به دعاوی حقوقی و یا محاکمه آنان در موارد اتهام به ارتکاب جرم در دادگاه های مخصوص و با حضور کنسول آن کشور بیگانه و یانماینده او انجام می شود. ر : ک : موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، امید اسلام (شخصیت علمی و مبارزاتی آیت اله سید مصطفی خمینی) چاپ اول، تهران، چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۰ هـ ش، ص ۲۶.

رفت. ^۱ظاهراً همان جا تصمیم می گیرند، موضوع دستگیری امام (ره) را به اطلاع بازاریان برسانند و از آن ها درخواست اعتصاب نمایند. پس از مذاکره با ایشان راهی ملاقات با آیت اله مرعشی نجفی (متوفای ۱۳۶۹ ش) ^۲ شدند. ساواک که سابقه مبارزاتی و رهبری حاج آقا مصطفی را در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش دیده بود یقین داشت در صورت آزاد گذاشتن وی، خشم مردم به قیام عمومی تبدیل می شود و چه بسا که اوضاع کشور از تسلط آن ها خارج خواهد شد. از این رو، مقدمات دستگیری ایشان را فراهم کرد و زمانی که سید مصطفی در منزل آیت اله مرعشی نجفی، با وی مشغول گفت و گو بود، به آنجا یورش برد و ایشان را دستگیر کرد و به شهربانی قم برد و تحویل ساواک قم دادند. ^۳

این عالم ربانی و مجاهد در گسترش نهضت اسلامی و به خصوص محکومیت

^۱ میرزا هاشم آملی، عالم و مدرس علوم دینی که در ال ۱۲۸۲ ش در لاریجان زاده شد. پس از تکمیل مقدمات علوم دینی به تهران آمد و به تحصیل پرداخت. پس از ۱۰ سال به قم رفت و از محضر اساتید بنام بهره گرفت و به درجه اجتهاد رسید. پس از آن به نجف رفت و از علمای آن جا بهره برد. در سال ۱۳۴۰ ش به ایران بازگشت. وی در مبارزات امام خمینی (ره) علیه رژیم با محکوم کردن رفتارهای رژیم، شرکت نمود. سرانجام در سال ۱۳۷۱ ش دار فانی را وداع گفت. ر: ک: جابر، تواضعی، علامه طباطبایی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۱۱۲.

^۲ آیت الله مرعشی نجفی فرزند سید شمس الدین محمود از فقها و مدرسان نجف، در سال ۱۲۷۶ ه.ش در نجف اشرف متولد شد. وی تحصیلات حوزوی خود را زیر نظر استادان برجسته حوزه های علمیه نجف، سامرا، کاظمین، تهران و قم گذرانید و از معدود علمایی بود که از استادان زیادی بهره مند شد و در سم ۲۷ سالگی به مرجعیت رسید. کتابخانه آیت الله مرعشی از آثار به جا مانده او است که علاوه بر نسخ چاپی، نسخ خطی، کم نظیری در آن به چشم می خورد. ایشان در سال ۱۲۶۹ ه.ش بر اثر سکته قلبی درگذشت. ر: ک: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، آیت الله سید مرتضی پسندیده، چاپ دوم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۵.

^۳ جواد، امامی، خاطرات آیت اله مسعودی خمینی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ ش، صص ۲۹۹، ۲۹۶.

لایحه ها کاپیتولاسیون نقش فعالانه ای داشت و بدین منظور نامه ها و اعلامیه های گوناگونی را با نام های مختلف تنظیم و منتشر کرد. یکی از این نامه ها را که به اسم اهالی قم مبنی بر انزجار از لایحه مزبور تنظیم کرده بود به همراه داشت که پس از بازداشت به دست ساواک افتاد.

سرعت عمل شدید رژیم برای دستگیری سید مصطفی مانع عکس العمل مردم نگردید. پیام ایشان به بازاریان رسیده بود. و بازار قم وارد اعتصاب نسبتاً طولانی گردید. روز سیزدهم آبان ۱۳۴۳ ه ش سید مصطفی به تهران منتقل و در زندان قزل قلعه بازداشت گردید.^۱

رژیم پهلوی قصد داشت با زندانی کردن آقا مصطفی در میان مبارزان و مجاهدان نهضت امام (ره) رعب و وحشت ایجاد کند و ارتباط آنها را با حضرت امام (ره) و سید مصطفی به طور کلی قطع کند و ادامه نهضت را با مشکل مواجه سازد. در مقابل ، حاج آقا مصطفی با هوشیاری و درایت در تلاش بود تا به طرق مختلف این اتصال و همبستگی را حفظ نماید .

زمانیکه از حکم پدر مبنی بر اینکه از زندان ترکیه ، ایشان را وکیل تام الاختیار خود معین کرده بود تا وجوه شرعیه را دریافت کند و شهریه حوزه های علمیه را بپردازد اطلاع پیدا کرد. وی طی نامه ای از زندان ، حجت الاسلام شهاب الدین اشراقی (متوفای ۱۳۶۰

^۱ بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ، حجه الاسلام فضل اله مهدیزاده محلاتی ، ج ۲ ، چاپ دوم ، تهران ، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ، ۱۳۸۱ ه ش ، ص ۶۴ .

ه.ش)^۱ را از جانب خود برای مسائل مقلدین امام خمینی (ره) وکیل و نماینده خود معرفی کرد. و اینگونه حضور معنوی رهبر انقلاب را در میان مردم همچنان پا برجا و مستمر نگه داشت.^۲

ب- اقدامات سید مصطفی در ترکیه

سید مصطفی در مدت توقفشان در ترکیه همچون قبل در خدمت امام خمینی (ره) قرار گرفت. تبعید او همانند تبعید پدر بزرگوارش موجب تنفر شدید مردم از رژیم پهلوی شد. و در ترکیه یار و یاور امام (ره) بود.

وی در تبعید گاه افزون بر اینکه یاور امام (ره) بود، پیام رسان نهضت اسلامی نیز به شمار می آمد و از هر فرصتی که به دست می آمد در جهت هدایت مبارزه و افشاگری رژیم استفاده می کرد. گاهی به صورت ناشناس با ایرانیان تماس برقرار میکرد و در دفتر آنان پیام انقلاب را می نوشت و امضاء می نمود. پس از آن با توجه به امضاء وی، ایشان را می شناختند و به همین ترتیب پیام نهضت و انقلاب را به دیگران می رساندند. حاج آقا

^۱ شهاب الدین اشراقی: در سال ۱۳۰۲ ش در قم متولد شد. ایشان پس از گذراندن دروس مقدماتی و سطح نزد پدرش، به محفل درسی آیات عظام: آیت الله بروجردی و... حاضر شد و به مقام اجتهاد دست یافت. وی همچنین به زبان فرانسه تسلط داشت. شهاب الدین داماد امام خمینی (ره) بود و در سال های زندگی در نجف و پاریس در کنارش حضور داشت. پس از انقلاب در مدت اقامت در قم به صورت غیر رسمی مسئولیت دفتر امام (ره) و رسیدگی به امور مراجعین را برعهده داشت. وی در سال ۱۳۶۰ ش در اثر سکته درگذشت. ر: ک

^۲ کمیته علمی کنگره شهید آیت الله سید مصطفی خمینی، مجموعه مقالات، ص ۸۳

مصطفی در این مدت وظیفه پیام رسانی نهضت اسلامی را در حد امکان اجرا می شود.^۱

در این دوره با توجه به فضای سیاسی و مذهبی حاکم بر کشور ترکیه که نظام لائیک حاکمیت داشت و مبارزان ایرانی امکان ارتباط آسان با امام خمینی و سید مصطفی را نداشتند، فعالیت های سیاسی وی کاهش یافت.

ایشان طی مدتی که در ترکیه و نزد امام (ره) به سر می برد همواره انیس و همدم برای ایشان بود و لحظه ای از مواظبت ایشان غفلت نمی ورزید.

روزها و شب ها در ترکیه به سختی می گذشت، یکی از برنامه هایی که رژیم پهلوی در آنجا برای اذیت امام خمینی (ره) داشت، استقرار ماموران بی ادب بود که موجب بی حرمتی به معظم اله می شدند. حاج آقا مصطفی گاهی این برخوردها را نمی توانست تحمل کند و به اعتراض، انتقاد و حمله به ماموران می پرداخت که اینگونه اقدامات باعث نگرانی ساواک شد و ایشان را تهدید کرد که به جای دیگری تبعید خواهد شد.^۲

پس از گذشت حدود دو ماه و نیم از اقامت حاج آقا مصطفی در ترکیه، ایشان کوشید به ایران برگردد.

با توجه به دوری رهبر انقلاب از ایران و ویژگی های منحصر به فرد سید مصطفی، برای پر کردن خلا ناشی از عدم حضور امام (ره) و لزوم فعال نگه داشتن نهضت اسلامی و حفظ گسترش شبکه اطلاع رسانی و ارتباطی آن، بازگشت سید مصطفی به ایران اهمیت

^۱ روح الله حسینیان، ستاره صبح انقلاب، چاپ سوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰ ه.ش،

صص ۸۳-۸۱

^۲ حمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۲، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶

ه.ش، ص ۱۲۸.

بالایی داشت. امام خمینی (ره) نیز به طور کامل با این اقدام موافق بودند. در آن زمان ، حکومت پهلوی تحت فشار افکار عمومی و اعتراضات روز افزون مبارزان به ویژه روحانیون درباره پایان دادن به تبعید امام خمینی (ره) و سید مصطفی قرار داشت. آنها در جست و جوی یافتن راه حلی برای دور شدن از این بحران بودند. لذا ایشان را به همراه پدر خود به عراق تبعید کردند.^۱

ج- اقدامات سیاسی در عراق

یازده ماه پس از اقامت اجباری در ترکیه ، محل تبعید به عراق تغییر یافت . امام به همراه فرزندش در سیزدهم ماه ۱۳۴۴ ه ش پس از ورود به عراق و زیارت یک هفته ای مشاهد مشرفه در شهرهای کربلا ، کاظمین و سامرا به نجف رفتند. شهری که تا سیزده سال بعد پذیرای این مهمانان گرامی بود.

باورود امام خمینی (ره) و سید مصطفی به نجف ، مرحله دیگری از نهضت اسلامی شروع شد که متفاوت تر از دروه های قبل بود. در این مرحله حاج آقا مصطفی پس از امام (ره) نقش اول را هدایت نهضت اسلامی بر عهده داشت . در این دوره که حدود سیزده سال به طول انجامید ، در دوازده سال آن ، سید مصطفی حلقه اتصال اجزای نهضت اسلامی در ایران و نقاط مختلف جهان با کانون آن در نجف بود.^۲

^۱مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ، آیت اله سیدموسی صدر ، ج ۳، چاپ دوم ، تهران ، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ، ۱۳۷۹ ه ش ، ص ۱۴۹.

^۲محمد جواد ، مرادی نیا، منزل به منزل با خمینی ، چاپ چهاردهم ، تهران ، موسسه چاپ و نشر عروج ، ۱۳۸۵ ه ش . ص ۸۶.

نقش ایشان در اتصال اجزای نهضت اسلامی در موارد زیر خلاصه می شود:

حلقه ارتباطی و انسجام مبارزین

قبل از تبعید امام خمینی (ره) و سید مصطفی به نجف، بین مبارزان ایرانی با گرایش های فکری اسلامی و گاهی غیر اسلامی ارتباط هایی وجود داشته ولی از انسجام و استحکام لازم برخوردار نبوده است. با ظهور رهبر سیاسی، مذهبی و قدرتمندی چون امام خمینی (ره) مبارزان مسلمان از ایران، عراق، اروپا و دیگر کشورهای اسلامی متوجه نجف شدند و با وجود اختلاف نظرها و برخورداری از سطوح مختلف فکری و مبارزاتی، رهبری امام (ره) را پذیرفتند.

با توجه به تنوع دیدگاه های مبارزان و پیچیدگی جریان مبارزه، کنترل ها، مراقبت ها و تلاش هایی که سعی در نفوذ در شبکه نهضت اسلامی داشت، حاج آقا مصطفی یکی از با اهمیت ترین و سخت ترین نقش ها را در ایجاد و برقراری رابطه با مبارزان علیه حکومت پهلوی در سطوح مختلف برعهده گرفت.^۱

ارتباط سید مصطفی با افراد مختلف که درجه تعهدشان به اسلام و نهضت اسلامی متغیر بود، بیانگر این اصل است که وی در ارتباط با مبارزین علیه حکومت پهلوی، اصل مبارزه را بیشتر از سایر امور مورد توجه قرار می داد و از این طریق سعی در وحدت بین مبارزین داشت. نمونه بارز آن موسی آیت الله زاده اصفهانی می باشد که چندین سال با ایشان در ارتباط بود و مبارزات مشترک و همکاری های مخفیانه داشت؛ ولی زمانی که بر او ثابت

^۱ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، امید اسلام (شهید آیت اله سید مصطفی خمینی به روایت ساواک)، تهران، چاپ اول، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۸ش، ص ۳۱.

شد که آیت الله زاده اصفهانی از مسیر اصلی نهضت امام منحرف شده و به همکاری های جدی و گسترده با حکومت عراق روی آورده است، راه خود را از او جدا کرد. در کنار نقش رابط و انسجام مبارزین جهت دهی و هدایت مبارزات نیز یکی از فعالیت های حاج آقا مصطفی بود. ایشان با توجه به مبانی اسلام و بهره گیری از اندیشه امام (ره) تلاش کرد مبارزه در راستای اهداف اسلامی باشد.^۱

نشر افکار انقلابی

حاج آقا مصطفی برای نشر افکار انقلابی و اندیشه های امام خمینی (ره) به شکل های گوناگون با افراد ارتباط برقرار می کرد. این اقدام توزیع رساله عملیه، اعلامیه ها، پیام ها، نامه ها و نشر سخنان امام (ره) در ایران و سایر کشورها از طریق مبارزین صورت می گرفت. این ارتباط گاهی به وسیله نشریه ای که به نشریه روحانیون خارج از کشور معروف بود، گاهی از طریق زائرینی که به عراق می آمدند و برخی اوقات هم به وسیله دوستانی که به نجف می آمدند تا نوار یا اعلامیه ها را به ایران منتقل کنند، صورت می گرفت. همچنین راه اندازی و تقویت نشریه ای با نام ۱۵ خرداد بر عهده ایشان بود. از دیگر فعالیت های وی، افشاگری علیه حکومت پهلوی از رادیوی صدای روحانیت بود. در هر صورت سید مصطفی در مدت حضور خود در نجف موقعیت های زیادی برای پیشبرد نهضت اسلامی داشت. و با وجود کنترل های دولت عراق و مراقبت های چند جانبه ساواک توانست با مبارزین و مقلدین امام (ره) به روش های مطلوب ارتباط برقرار کند و به مبادله

^۱ اکبر، فلاحی، تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات امام خمینی (ره)، نجف، چاپ دوم، تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴ ه ش، ص ۲۴۱.

اطلاعات با آن ها مبادرت ورزد.^۱

راهنمایی یاران امام (ره)

راهنمایی یاران امام خمینی (ره)، استفاده و اغتنام فرصت ها از طریق یاران ایشان و مشورت با آن ها در مواقع ضروری و دریافت و پرداخت کمک های مالی، دریافت وجوه شرعی و غیره غالباً بر عهده سید مصطفی بود؛ البته باید این نکته را نیز در نظر داشت که افراد دیگری بودند که در بیت امام (ره) با نظارت دقیق امام (ره) در این زمینه فعالیت می کردند. (این توضیح در امور مالی صدق می کند). ولی محور فعالیت ها سید مصطفی بود. ایشان به مبارزینی که حول محور امام خمینی (ره) و متناسب با اهداف مبارزاتی و تفکر ایشان بودند و به صحت گفتار و کردار آن ها اطمینان داشت، ماموریت هایی را در راستای نهضت اسلامی محول می کرد. برخی مامور انتقال از طریق شوراهای اسلامی مانند عربستان سعودی، لبنان، یا سوریه صورت گرفت. و گاهی نیز مستقیماً با سفر یاران امام و دوستان سید مصطفی به نجف عملی می شد.^۲

یکی از ماموریت های مهمی که حاج آقا مصطفی به یکی از یاران امام (ره) به نام سید محمود دعایی (متوفای) محول کرده بود، استفاده از موج رادیویی بود که دولت عراق در راستای اختلافاتش با دولت ایران در اختیار نیروهای مبارز ایرانی قرار داده بود. برنامه

^۱ سجاد، راعی گلو جه، زندگینامه و مبارزات آیت اله سید مصطفی خمینی، چاپ اول، تهران،

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۹۱

^۲ کمیته عملی کنگره شهید آیت اله سید مصطفی خمینی، یادها و یادمان ها، ج ۲، چاپ اول،

تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۴ ه.ش، ص ۲۶۱

رادیویی تحت عنوان «نهضت روحانیون در ایران» پخش می گردید نقطه اوج فعالیت های آن به دنبال اوج گیری مبارزات و فعالیت های مسلحانه علیه رژیم از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۳ ه.ش بود که اعلامیه ها، اخبار و اطلاعات، محاکمات مبارزین، اخبار نهضت اسلامی ، اقدامات و فعالیت های امام خمینی(ره) پخش می گردید.^۱

آموزش نظامی

از دیگر ماموریت های سید مصطفی می توان به فراگیری آموزش های نظامی و مبارزه مسلحانه اشاره کرد. ایشان معتقد بود که علاوه بر حضور یکپارچه مردم علیه رژیم ، از راه های دیگر مبارزه نباید غافل شد بلکه باید حرکتهای مسلحانه را تأیید نمود. ایشان همه را به یادگیری آموزش نظامی و مبارزه مسلحانه علیه رژیم تشویق میکرد و معتقد بود که مبارزه مسلحانه یکی از راههایی است که می تواند رژیم شاه را ساقط کند. حتی به برخی از مبارزین ، ماموریت داده می شد که در قالب فراگیری آموزش نظامی در چهارچوب همکاری مخالفین رژیم پهلوی با دولت عراق ، در ارکان حزب بعث نفوذ کرده و اطلاعات موثقی به دست آورد و ایرانی هایی که بر ضد حکومت ایران در داخل حزب بعث فعالیت می کردند ، شناسایی کنند.

سید مصطفی در عراق از مبارزه دست نکشید و به دنبال اوج گیری نهضت رهایی بخش فلسطین ، تلاش فوق العاده ای به عمل آورد تا برادران روحانی خارج از کشور به

^۱ سجاد، راعی گلوچه، بازتاب ها و پیامدهای رحلت اسرار آمیز آیت الله مصطفی خمینی به روایت

اسناد، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۴۷

پایگاه های فلسطین برونندو در آنجا دوره بینند.^۱

مقابله با توطئه های شیطانی

حزب بعث حاکم بر عراق به خوبی دریافته بود که امام خمینی (ره) نفوذ ناپذیر است و مستقیم و غیر مستقیم نمیتواند روی تأثیر و نفوذی داشت. به همین دلیل تصمیم گرفت به جای صرف نیرو جهت راهیابی به بیت امام و نفوذ در او تلاش خود را برای تحت نفوذ قرار دادن نیروهای جوانی که در کنار رهبر انقلاب قرار داشتند به کار بگیرد و با نفوذ در آنان نقشه های خود را پیاده کند.

تنها حزب عراق نبود که می خواست از راه نفوذ در روحانیون مبارز نجف راه بهره گیری از مقام و موقعیت امام (ره) را برای خود هموار سازد بلکه هر گروه و دسته از جمله منافقین همین نقشه را دنبال می کردند. این بازی های شیطانی از نظر سید مصطفی پوشیده نبود. بر اثر نبوغ سرشار و هوشیاری فوق العاده خویش در همان برخورد اول به اندیشه ماهیت و نقشه های آنها پی می برد و بلافاصله ماهیت فکریشان را برای امام (ره) روشن می کرد و برادران روحانی و مبارز نجف را از خطرهای آنان بر حذر داشت.^۲

یکی از مواردی که بر دقت نظر و ذکاوت سیاسی حاج آقا مصطفی دلالت دارد:

الف) ماجرای صادق قطب زاده (متوفای ۱۳۶۱ ه.ش)^۳

^۱ واحد پژوهش های تاریخی، راز توفان، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۳۳۷.

^۲ حمید، روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۵۹۷

^۳ صادق قطب زاده فرزند حسین در سال ۱۳۱۴ ه.ش در اصفهان به دنیا آمد. در جوانی شاهد

در خرداد ۱۳۴۹هـ ش آقای قطب زاده برای اولین بار به نجف آمده بود و شب در منزل سید مصطفی بسر برد. قطب زاده با اینکه با شخصیت های مذهبی در ارتباط بود اما روحیه ای کاملاً لیبرال مسلک داشت و مناسک دینی را مسخره می کرد ، این دسته از مبارزان ، روحیات دینی خاصی داشتند ، به ظاهر مسلمان بودند ، نماز می خواندند و در اروپا سمبل نیروهای مبارز مسلمان بودند ولی در باطن به دین و اسلام خیانت می کردند . ایشان در همان شب ، قطب زاده را شناخت و دریافت که چه عنصر خطرناکی برای انقلاب ایران خواهد بود . گویا سوء استفاده هایی را که قطب زاده و باند او از انقلاب و رهبر آن به عمل آورده و سپس توطئه هایی را که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی به کار گرفت ، با چشم دل می دید و از این رو به شدت رنج می برد. وی به روحانیون توصیه می کرد که از هر گونه همکاری و حتی دیدار با او پرهیز کنند. و خود نیز از آن شب که قطب زاده در منزلش بود تا روزی که به شهادت رسید دیگر حاضر نشد با او روبرو شود و تلاش های همه جانبه قطب زاده برای یک ساعت دیدار و گفتگو با آن شهید آگاه با شکست مواجه گردید.

چنانچه سید مصطفی دریافت بود قطب زاده ها نه تنها در خط راه امام (ره) نبودند

کودتای ۲۸ مرداد بود و به جرگه دکتر مصدق پیوست . در سال ۱۳۴۸ ش برای انجام حرکت های انقلابی به کمک امام مولى صر به سوریه رفت . وی پس از پیروزی انقلاب از اعضای شورای انقلاب اسلامی بود . قطب زاده در زمان روی کار آمدن دولت موقت ، عهده دار سازمان صدا و سیما و پس از آن وزیر امور خارجه گردید . در این دوره به یکی از مشهورترین سیاستمداران ایرانی تبدیل شد . قطب زاده به تدریج با از دست دادن مناصبش خط مشی خود را تغییر داد تا جایی که در برابر امام خمینى (ره) و نظام اسلامی به توطئه گری پرداخت . در ۱۷ فروردین ۱۳۶۱ ش پس از اقدام ب کودتا علیه جمهوری اسلامی دستگیر و اعدام شد . ر: ک : محسن ، صالح ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تا کنون ، ج ۲، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۵ هـ.ش ، ص ۱۵۹ .

بلکه به علت خود باختگی به قدرتهای جهانی وابستگی داشتند . از این رو تا زمانیکه به شهادت رسید در برابر اغراض و مطامع آن ها ایستاد و اجازه بهره برداری و سوء استفاده از مقام و موقعیت امام (ره) را به آنها نداد و با بینش ژرف خویش نقشه های آنها را زود دریافته و به مقابله با آنان بر می خواست .^۱

حج ، کانون تبادل اخبار و اطلاعات نهضت اسلامی

پس از انتقال امام خمینی (ره) و سید مصطفی به عراق و استقرارشان در نجف اشرف ، آن ها بر خلاف ترکیه از راه های مختلف با طرفداران نهضت اسلامی در ایران و سایر نقاط جهان ارتباط برقرار کردند. یکی از کانال های ارتباط ، زائرینی بودند که از ایران و کشورهای اسلامی همجوار ایران برای زیارت به مکه و مدینه می رفتند . همه ساله امکان آن وجود نداشت که حاج آقا مصطفی به حج برود و در آنجا با مبارزین و مخالفین رژیم پهلوی که در لباس حج می آمدند ، دیدار و اخبار و اطلاعات را مبادله کنند ، اما این امکان در چند نوبت فراهم شد و حاج آقا مصطفی ضمن بهره مندی از فیض الهی و معنوی حج ، به پیشبرد نهضت نیز از آن طریق کمک های قابل توجهی نمود .

نمایندگان حضرت امام (ره) هر ساله در موسم حج به عربستان می رفتند و به صورت مخفیانه با نمایندگان و مبارزان داخلی کشور ارتباط برقرار می کردند . ایجاد هماهنگی و آشنایی مبارزان با یکدیگر ، انتقال اعلامیه های ضد رژیم ، پیام ها ، نوارها و جزوات امام (ره) به داخل ایران ، پخش پیام های حضرت امام (ره) در بیان حجاج و... از جمله فعالیت

^۱ گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی ، نور چشم امام، چاپ اول، تهران، شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۳ش،

های حاج آقا مصطفی بود. همچنین ایشان سعی می کرد از کانال های ارتباطی گزارش های مختلف از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران اطلاعات دقیق بدست آورد و ضمن اطلاع ، آن ها را خود به پدر بزرگوارش منتقل کند . همچنین وجوہات شرعی که از ایران فرستاده شده بود را برای تحویل به امام (ره) دریافت می کرد. سفارت ایران در عربستان سعودی مراقب اعمال سید مصطفی بود. نشود. علیرغم آن همه کنترل و مراقبت از سید مصطفی ، ایشان موفق با چندین نفر از مبارزان ایرانی تماس بگیرد و پیام امام خمینی (ره) را به آن ها و از آن طریق به ایران برساند .^۱

سفر به کشورهای اسلامی

بخشی از فعالیت های سیاسی سید مصطفی پس از انتقال به عراق ، سفر به کشورهای اسلامی بود. جنبه اصلی این سفرها ، فعالیت سیاسی برای تداوم نهضت امام خمینی (ره) بود ؛ ولی گاهی جنبه زیارتی و سیاحتی هم داشت . برخی مسائل مربوط به نهضت امام (ره) با توجه به تنگناهای موجود در فضای سیاسی عراق به آسانی قابل رسیدگی و حل و فصل نبود؛ اما در فضای مساعد کشورهای چونی سوریه و لبنان و با ارتباطاتی که از طریق مبارزینی که به آن کشورها سفر می کردند، پیشبرد امور مبارزاتی سهل و ممکن بود. در این ارتباط ها، اطلاعات مربوط به نهضت مبادله می شد و نهضت تقویت و تداوم یافت.

وجه دیگر فعالیت های سیاسی حاج آقا مصطفی در کشورهای اسلامی، در ارتباط با اندیشه امام (ره) در مبارزه با حکام مرتجع و نظام سیاسی آن کشورها بود.. سید مصطفی

^۱ بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ، حجت الاسلام فضل اله مهریزاد ، محلاتی ، ج ۲ ، ص

نقش برقراری تماس مستقیم با مبارزان و راهنمایی آنان را برعهده داشت بخش عمده ای از این مبارزین علیه سلطه و تجاوزات اسرائیل فعالیت می کردند. سید مصطفی بنابر اعتقاد به مبارزه مسلحانه، آن را علیه اسرائیل پیگیری می کرد و به مبارزین و روحانیون ایران در نجف توصیه می کرد که در جنوب لبنان یا سوریه، آموزش نظامی ببینند. در این راه به افراد کمک های مالی می کرد.

در دهه ۱۹۷۰ م، امام موسی صدر (متوفای ۱۳۵۷ ه. ش)^۱ که اوضاع حاکم بر جنوب لبنان اعم از فقر مطلق، تعداد زیاد بی سوادان، بی توجهی نسبت به امنیت آن جا و اینکه سرمایه داران و هیئت حاکم لبنان، به عنوان سدی در مقابل شیعیان لبنان قرار داشتند و مانع احقاق حقوق شیعیان می شدند را نمونه ای از سیاست های بیمار گونه حکوت لبنان دانست. ایشان به این نتیجه رسید که با تظاهرات نمی توان کاری از پیش برد. بنابراین در سال ۱۳۵۱ ش، تشکیلات سیاسی - اجتماعی «حرکه المحرومین» را جهت احقاق حقوق سیاسی - اجتماعی محرومین پایه گذاری نمود^۱. اساس آن بر مبنای حقیقی اسلام و مذهب باورها و اعتقادات حقیقی اسلام و مذهب تشیع بود. وی همچنین «جنبش امل»^۲ را به عنوان بازوی نظامی جنبش با هدف مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل بنیان نهاد.

سید مصطفی با آشنایی قبلی که با امام موسی صدر داشت، پس از تأسیس سازمان مذکور، با وی تماس برقرار کرد و در جریان فعالیت های سازمان مذکور قرار گرفت.

علی، خسرو شیری، انقلاب اسلامیايرانوشیعیانلبنان، چاپاول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹ش، ص ۷۲.

^۲ «امل» از حرف اول سه کلمه، افواج، مقاومت النباهیه گرفته شده بود. ر.ک: داوود، سلیمانی زاده، انقلاب اسلامی و احیای هویت شیعیان لبنان، چاپ دوم، تهران، موسسه فرهنگی و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱ش، ص ۸۴.

با توجه به اینکه امام (ره) طی اعلامیه ای درباره جنگ لبنان، از مسلمانان تقاضا کرده بود که به مسلمانان لبنان کمک کنند، سید مصطفی به لبنان سفر کرده و با رهبر شیعیان آن کشور در مورد جنگ لبنان و آسیب هایی که به شیعیان وارد شد بود مذاکره شد و همچنین کمک های مالی به امام موسی جهت پرداخت به شیعیان نمود.^۱

سید مصطفی و دولت عراق

سید مصطفی خمینی در طول اقامت خود در عراق، در ارتباط با دولت آن کشور، رویه ای همسو و هماهنگ با امام خمینی (ره) در پیش گرفت و در مجموع دچار تناقض و چنگدانی نشد. تهدید های دولت عراق نیز تزلزلی در اراده سیاسی او پدید نیاورد. سیاست دولت عراق در قبال امام خمینی (ره) و حاج آقا مصطفی تا حدود زیادی از روابطش با دولت ایران تأثیر می پذیرفت.

پس از به قدرت رسیدن حزب بعث، در فروردین ۱۳۴۸ هـ ش دولت عراق اعلام کرد که اروندرود جزئی از قلمرو عراق است. دولت ایران به این اقدام دولت عراق واکنش نشان داده و همین باعث تیرگی روابط در کشور شد. سران حزب بعث یکی از راه های مبارزه و در نهایت تضعیف حکومت ایران را اتحاد با مخالفین آن کشور در نظر گرفتند و فعالیت هایی را براساس آن شکل دادند. از جمله آنکه تلاش می کردند به هر شکل ممکن به امام خمینی نزدیک شوند و از ایشان درخواست نمایند که با صدور بیانیه ای اعمال و رفتار دولت ایران رامحکوم کند؛ ولی امام هرگز حاضر به همکاری با دولت عراق در مبارزه

^۱ علی، خسروشیری، همان کتاب، ص ۷۴.

علیه حکومت پهلوی نشد.

در آن مقطع تاریخی رژیم بعثی عراق فشارهای خود را علیه حوزه علمیه نجف اشرف و بویژه مراجع تقلید از جمله آیت الله سید محسن حکیم (متوفای ۱۳۹۱) تشدید نمود. مأموران حزب بعث پس از مدتی پدرش سید مهدی حکیم (متوفای ۱۳۶۶ هـ.ش) را بازداشت و خود ایشان را نیز خانه نشین کردند در چنین شرایطی که آیت الله حکیم ممنوع الملاقات بود، حاج آقا مصطفی از اولین افرادی بود که پس از برگرداندن سید مهدی حکیم از بغداد به کوفه به دیدار وی شتافت. این دیدار برای حزب بعث قابل چشم پوشی نبود. بنابراین با اهدافی همچون هشدار جدی به سید مصطفی که از مخالفت با حزب بعث خودداری کند، از طریق سید مصطفی وادار کردن امام به صدور اعلامیه ای علیه رژیم ایران از طریق سید مصطفی در ۲۱ خرداد ۱۳۴۸ هـ.ش مأموران، سید مصطفی را دستگیر و به بغداد اعزام کردند. پس از یک هفته مقاومت سید مصطفی و بی اعتنائی امام، ایشان آزاد شد.^۱

^۱ - اکبر، فلاحی، همان کتاب، ص ۲۱۸

نتیجه گیری

آیت الله سید مصطفی خمینی، روحانی مبارز و آگاهی بود که سال ها در مسیر مبارزه علیه ظلم و براندازی رژیم پهلوی و به منظور تشکیل جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف نهضت، فعالیت های قابل توجهی را انجام داد.

یکی از ابعاد شخصیت سید مصطفی، بعد سیاسی وی می باشد. ایشان قبل از آغاز نهضت امام(ره) کم و بیش با جریان های سیاسی فعال در جامعه آشنایی داشت؛ ولی نقطه عطف در این زمینه شروع نهضت و ورود کامل و همه جانبه به بطن نهضت می باشد. ایشان سال ها در مسیر مبارزه علیه ظلم و به منظور تشکیل جمهوری اسلامی، فعالیت شایان توجهی داشت و به گونه ای که حیات سیاسی وی با حیات سیاسی امام (ره) کاملاً آمیخته بود. محور فعالیت های ایشان، نهضت امام (ره) بود و هیچ مصلحتی فراتر از مصالح نهضت و انقلاب برایش قابل تصور نبود. در این راه اقدامات شایان توجهی از جمله: حلقه انسجام بین مبارزان، راهنمایی یاران امام(ره)، نشر افکار انقلابی، سفر به کشورهای اسلامی، آموزش نظامی و غیره را انجام داد. و از سوی دیگر، خود به عنوان رهبری در میان یاران و طرفداران رهبر نهضت به شمار می رفت.

فهرست منابع

* قرآن

۱. امامی، جواد، خاطرات آیت اله مسعودی خمینی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ ه.ش
۲. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، ج ۲، چاپ پنجم، تهران، سخن، ۱۳۸۲ ه.ش
۳. تواضعی، جابر، علامه طباطبائی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵ ه.ش
۴. جعفری، فریبا، نقش روحانیت در قیام ۱۵ خرداد، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ه.ش
۵. حسینیان، روح الله، ستاره صبح انقلاب، چاپ سوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰ ه.ش
۶. خسرو شیری، علی، انقلاب اسلامی ایران و شیعیان لبنان، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹ ه.ش
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۲۹، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۴۵ ه.ش
۸. راعی گلوچه، سجاد، بازتاب ها و پیامدهای رحلت اسرار آمیز آیت الله مصطفی خمینی به روایت اسناد، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹ ه.ش
۹. راعی گلوچه، سجاد، زندگینامه مبارزات آیت الله سید مصطفی خمینی، چاپ

اول، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴ ش.

۱۰. رجبی، محمد حسن، زندگینامه سیاسی امام خمینی (ره)، ج ۱، چاپ سوم،

تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ه. ش.

۱۱. ارواحانی، حمید، تحلیل و بررسی از نهضت امام خمینی (ره)، ج ۱، چاپ

ششم، بی جا، انتشارات راه امام، ۱۳۵۹ ه. ش.

۱۲. ارواحانی، حمید، نهضت امام خمینی، ج ۲، چاپ دوم، تهران، مرکز اسناد

انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ ه. ش..

۱۳. سلیمانی زاده، داوود، انقلاب اسلامی و احیای هویت دین شیعیان لبنان، چاپ

دوم، تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱ ش.

۱۴. سلیمی، حشمت الله، مبارزات روحانیون و مساجد به روایت اسناد، چاپ اول

، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۶ ه. ش.

۱۵. صالح، محسن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تا کنون، ج ۲ تهران،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ه. ش..

۱۶. افلاحي، اکبر، تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات امام خمینی (ره)، نجف، چاپ

دوم، تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴ ه. ش

۱۷. قادری، علی، یک قرن زندگی پرماجرا: سالشار زندگی قدس ایران بر اساس

خاطرات و خیال، ج ۱، چاپ اول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،

۱۳۹۳، ه. ش.

۱۸ کاشفی خوانساری، علی، آیت الله بروجردی، چاپ سوم، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵ ه.ش.

۱۹ کمیته علمی کنگره شهید آت الله سید مصطفی خمینی، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران، نشر شاهد، ۱۳۷۶ ه.ش.

۲۰ گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، نورچشم امام، چاپ اول، تهران، انتشارات شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۳ ه.ش.

۲۱ مرادی نیا، محمد جواد، منزل به منزل با خمینی، چاپ چهاردهم، تهران، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵ ه.ش.

۲۴ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، آیت الله سید مرتضی پسندیده، چاپ دوم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰ ه.ش.

۲۵ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، امید اسلام (شخصیت علمی و مبارزاتی آیت اله سید مصطفی خمینی)، چاپ اول، تهران، چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۰ ه.ش.

۲۶ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، امید اسلام (شهید آیت اله سید مصطفی خمینی به روایت اسناد ساواک)، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۸ ه.ش.

۲۶ مهدی زاده محلاتی، فضل اله، بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ج ۲، چاپ دوم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۱ ه.ش.

۲۷ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کوثر، ج ۱ چاپ دوم، بی جا، موسسه تنظیم

و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱ ه ش.